کیهان

رهبر انقلاب در دیدار پرشور بسیجیان:

شما جوانان مؤمن آمریکا را به زانو در آوردید

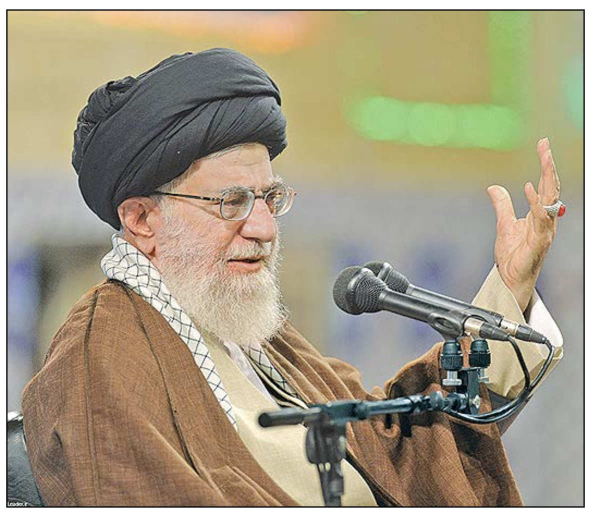

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی صبح دیروز در دیدار هزاران نفر از بسیجیان سراسر کشور، بسیج را پدیده‌ای کم نظیر، گره‌گشا و از افتخارات امام راحل(ره) خواندند و با تأکید بر گسترش روحیه بسیجی به معنای «انگیزه و شوق و تلاش برای تحقق اهداف انقلاب و سربلندی و پیشرفت ایران»، افزودند: دشمن خصومت خود را از هر طرف تشدید کرده تا مقاومت برخاسته از تفکر انقلابی و اسلامی را در منطقه نابود کند اما جوانان و مردان مؤمن و پراستقامت، با دفع غده سرطانی تکفیری داعش، دشمنان را به زانو در آوردند و مفهوم ما می‌توانیم را بار دیگر برای همه اثبات کردند.

رهبر انقلاب اسلامی بسیج را به معنای گردآوری و استفاده از ظرفیت آحاد مردم و نیروی انسانی فعال، مجاهد و مبتکر خواندند و با تأکید بر اینکه اگر انقلاب اسلامی، بسیج را نداشت، با نقیصه و خلأ بزرگی مواجه بود، افزودند: سازمان مقاومت بسیج به عنوان یک مجموعه کارآمد، نمادی از بسیج عمومی مردمی است که وظایف حساس و مهمی برعهده‌دارد.

سخن نو انقلاب اسلامی

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای با اشاره به «سخن نو» انقلاب اسلامی برای بشریت گفتند: سخن نو انقلاب اسلامی این بود که جوامع انسانی می‌توانند به پیشرفت‌های مادی و علمی دست یابند و همزمان رضایت پروردگار را کسب و ارزش‌های الهی را حفظ کنند.

رهبر انقلاب اسلامی خاطرنشان کردند: تحقق چنین جامعه‌ای و دستیابی به پیشرفت‌های مادی و اهداف والای معنوی، نیازمند بایدها و نبایدهایی است که «بی عدالتی، استبداد، فاصله طبقاتی و فساد عملی و فکری و غرق شدن در شهوات» از نبایدها و «اخلاص، احساس وظیفه، تلاش و مجاهدت، کار، و جلب رضایت خدا» از بایدها، است.

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای افزودند: آن ساختار و قالبی که توانست مجموعه بایدها و نبایدها را در خود جمع کند، نظام جمهوری اسلامی بود.

ایشان گفتند: جمهوری اسلامی، با کمک و هدایت پروردگار و با بیداری و هوشیاری امام راحل و مجاهدت ملت توانست اسلام مورد آرزوی مسلمانان را در قالب یک نظام سیاسی محقق کند و پایه اولیه را بنا نهد.

دستیابی به اهداف
با تکیه بر نیروی انسانی مصمم و با اراده

رهبر انقلاب اسلامی خاطرنشان کردند: البته این نظام سیاسی تا رسیدن به اهداف والای خود فاصله زیادی دارد ولی دستیابی به این اهداف با در صحنه بودن و تکیه بر نیروی انسانی مصمم و با اراده امکان‌پذیر است.

ایشان تأکید کردند: اگر آحاد نیروی انسانی، حرکت، هدف و شیوه بسیج را مبنای تلاش و فعالیت خود در میدان‌های مختلف، قرار دهند، در واقع همه آحاد کشور بسیجی هستند.

رهبر انقلاب اسلامی افزودند: وظیفه اصلی نیروی مقاومت بسیج این است که با هماهنگ‌سازی ظرفیت‌ها، اراده‌ها و ابتکارهای مردم بویژه جوانان، برای رسیدن به اهداف والای جمهوری اسلامی، هم‌افزایی ایجاد کند تا شاهد یک حرکت سازندگی و تولید و پیشرفت از جانب میلیون‌ها نفر از آحاد مردم، در بخش‌های مختلف باشیم.

افراد غافل متوجه نیستند...

رهبر انقلاب در بخش دیگری از سخنانشان با اشاره به ادامه بی‌وقفه توطئه‌های دشمنان، از کسانی که از بازگو شدن و تکرار عنوان دشمن ناراحت می‌شوند، انتقاد کردند و افزودند: این افراد غافل متوجه نیستند که اگر دشمن مجال بیابد در وارد کردن ضربه هیچ تأملی نخواهد کرد، بنابراین بر اساس یک اصل عقلانی و جاودانه نباید عملی، سخنی و یا حالتی از خود نشان داد که دشمن را به توهم ضعف در صفوف ایرانیان بیندازد و او را به ضربه زدن و اعمال خصومت تشویق کند.

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای با استناد به آیات قرآن کریم، ایستادگی در راه خدا را، هم موجب ثواب اخروی و هم باعث اجر دنیوی یعنی عزت و اقتدار و پیشرفت دانستند و افزودند: جمهوری اسلامی ۳۸ سال است با خصومت‌های استکبار و صهیونیزم و ارتجاع درگیر بوده اما امروز صدها و یا شاید هزاران برابر، از اول انقلاب پیشرفته‌تر و مقتدرتر است و این، معنای پاداش دنیویِ ایستادگی و استقامت است.

رهبر انقلاب اسلامی، تحلیل درست از واقعیات کشور را ضروری خواندند و خاطرنشان کردند: نباید با نگاه به برخی بی‌اعتقادی و بی‌اعتنایی‌ها، انقلاب و نظام اسلامی را ضعیف شده تصور کرد چرا که از اول انقلاب این مسائل وجود داشته است ضمن اینکه حرکت زیبا، شیوا و مبارک جوانان مؤمن، واقعیتی است که از همیشه، درخشان‌تر است.

جوانان، آمریکای مستکبر را به زانو درآورده‌اند

ایشان، اثرگذاری نسل جوان و مؤمن کشور در منطقه را با وجود ندیدن و درک نکردن دوران انقلاب و امام و دفاع مقدس، از معجزات انقلاب اسلامی خواندند و خاطرنشان کردند: شما جوانان توانسته‌اید آمریکای مستکبر را به زانو درآورید و شکست دهید.

رهبر انقلاب اسلامی عامل حقیقی نابودی و دفع غده سرطانی داعش را روحیه و احساس بسیجی خواندند و افزودند: دشمنان سعی کردند بوسیله این گروه تکفیری غیرانسانی، حادثه‌ای را علیه جریان مقاومت بوجود آورند اما جوانان مؤمن، با شوق و انگیزه وارد میدان مجاهدت شدند و دشمن را به زانو درآوردند.

رهبر انقلاب اسلامی با انتقاد از کسانی که با خواندن آیه یأس، ملاحظه و رودربایستی در مقابل قدرت‌ها را تبلیغ می‌کنند، افزودند: چند توطئه پی‌درپی آمریکا، صهیونیزم و ارتجاع در منطقه با اقتدار جمهوری اسلامی خنثی شد که یکی از آنها نابودی داعش بود، آیا این اثبات «ما می‌توانیم» نیست؟

وقتی به میدان وارد شدند
پیام انقلاب اسلامی را باور کردند

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای ، نابودی این گروه تکفیری غیرانسانی را با همت جوانان و مردان مؤمن و تلاش کسانی که مقاومت را قبول دارند کاری بسیار بزرگ برشمردند و افزودند: در برخی از کشورهای همسایه نیز باور به توانایی در نابود کردن داعش وجود نداشت اما وقتی به میدان وارد شدند پیروزی را به چشم دیدند و پیام انقلاب اسلامی یعنی ما می‌توانیم را باور کردند ضمن اینکه انقلاب نیز نشان داد پیام‌های بدیع و راهگشای خود را اینگونه و در عرصه عمل به افکار ملت‌ها می‌رساند.

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، روحیه بسیجی یعنی انگیزه و شوق و تلاش را نیاز همه عرصه‌های علمی، اقتصادی، صنعتی و فرهنگی دانستند و افزودند: میلیون‌ها نفر در سراسر کشور عضو سازمان بسیج نیستند اما بالقوه بسیجی‌اند که باید از این ظرفیت فوق‌العاده برای انجام دادن کارهای فراوان در عرصه‌های مختلف استفاده کرد.

ایشان حفظ بسیج را در گرو حفظ خصوصیات معتبر بسیج از جمله «بصیرت» و «دشمن شناسی» دانستند و افزودند: جوانان باید با درک ترفندهای مختلف دشمن در زمینه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی، این شیوه‌ها را خنثی کنند.

عده‌ای در داخل بلندگوی دشمن شده‌اند

رهبر انقلاب اسلامی، ناامید کردن جوانان و القای «ما نمی‌توانیم» را از شیوه‌های مهم بیگانگان خواندند و افزودند: متأسفانه عده‌ای در داخل، بلندگوی دشمن شده‌اند و نمونه‌های فراوان اثبات عینی توانایی‌های ملت و نظام را نادیده می‌گیرند.

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، «سرنگون کردن نظام مستبد و وابسته پادشاهی»، «ایجاد عوامل و عناصر پیشرفت و اقتدار نظام اسلامی» و «توانایی نفوذ در افکار و اندیشه‌های ملت‌ها» را از جمله نمونه‌های فراوان توانایی ملت ایران برشمردند و افزودند: از این پس نیز به توفیق الهی، انقلاب اسلامی با تکیه بر نسل جوان و مؤمن، حرکت در مسیر تحقق همه اهداف خود را ادامه خواهد داد.

ایشان، تجربه‌های مکرر و عینی ملت ایران را در عرصه «ما می‌توانیم» خاطرنشان کردند و افزودند: «ما می‌توانیم» مفهومی صرفاً اعتقادی نیست بلکه ملت ایران بارها به چشم خود و با همه وجود، آن را مشاهده و درک کرده است.

رهبر انقلاب اسلامی، مجاهدت و ثبات قدم را از واجب‌ترین و مهم‌ترین لوازم و عوامل پیشرفت خواندند و افزودند: باید درون خودتان، محیط پیرامون و عناصر مرتبط را ثابت قدم نگه دارید تا وعده پیروزی خدا محقق شود.

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای با اشاره به اهداف انقلاب در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، علمی، سیاسی و فرهنگی تأکید کردند: به لطف پروردگار ایران عزیز در آینده‌ای نه چندان دور به همه این اهداف خواهد رسید و نسل جوان معضلات اقتصادی را حل، پیشرفت‌های علمی را مضاعف و مفاهیم و محتوای فرهنگی و قرآنی را در جامعه محقق خواهد کرد.

رهبر انقلاب اسلامی بار دیگر هوشیاری در مقابل دشمنان را توصیه کردند و افزودند: نیروهای مبتکر و مؤمن، برای ترفندها و شیوه‌های جدید دشمنان آماده‌باشند و با پیشگیری و پاسخ مناسب، به وظایف خود عمل کنند.

ایشان در پایان سخنانشان گفتند: از خداوند متعال مسألت می‌کنیم ارواح طیبه شهدای عزیز را که در عراق و سوریه مؤمنانه وارد میدان شدند، با اولیاء خود محشور فرماید.

پیش از سخنان رهبر انقلاب اسلامی، سردار سرلشکر محمدعلی جعفری فرمانده کل سپاه با اشاره به زوال تروریست‌های تکفیری و به حاشیه رانده‌شدن آمریکا در تحولات منطقه و واماندگی رژیم‌های وابسته و مرتجع، گفت: امروز دوست و دشمن خوب می‌دانند که دیگر رژیم صهیونیستی در حد و اندازه یک تهدید معتبر نیست و هر جنگ جدید، به محو این رژیم از جغرافیای سیاسی منجر خواهد شد.

فرمانده سپاه اولویت کنونی بسیج را کمک به مردم برای غلبه بر مشکلات زندگی خواند و افزود: حضور مؤثر در عملیات امداد و نجات برای دستگیری از مردم بحران‌زده و ارتقای امنیت محلات از مهم‌ترین اولویت‌های بسیج است.

همچنین سردار غلامحسین غیب‌پرور رئیس‌سازمان بسیج مستضعفین با بیان گزارشی از برنامه‌ها و رویکردهای این سازمان، گفت: رویش نسل جدید مؤمن و انقلابی همچون حججی‌ها نویدبخش آن است که به برکت انقلاب اسلامی، بسیج به الگویی برای ملت‌های مسلمان و مستضعفان جهان تبدیل شود.

در ابتدای این دیدار نیز چند تن از فعالان و نمایندگان اقشار بسیج به بیان فعالیت‌ها و دیدگاه‌های خود پرداختند.

آقایان «حسن اسماعیلی- دکترای پزشکی»، «ابوالقاسم طالبی- کارگردان سینما»، «جلیل عرب‌خردمند- جراح مغز و اعصاب»، «مسعود حسن‌زاده- قهرمان جودو»، «علی غفاری- دکترای شیمی»، «سعید صوفی‌زاده- دکترای زراعت» و خانم «مرضیه عزتی‌وظیفه‌خواه- فعال امور زنان و خانواده» بر محورهای زیر تأکید کردند:

- پیشنهاد ایجاد شورای عالی سازندگی و الزام دستگاهها به استفاده از ظرفیت بسیج سازندگی.
- لزوم توجه ویژه به مناطق محروم مرزی و حمایت از فعالیت گروه‌های جهادی.
- لزوم تقویت فرهنگ بسیجی در عرصه هنر و توجه ویژه هنرمندان بسیجی به مشکلات مردم.
- افزایش ظرفیت خدمات پزشکی به مناطق محروم.
- تقویت گروه‌های جهادی در شهرک‌های صنعتی به منظور فعال سازی واحدهای غیرفعال.
- برنامه‌ریزی برای افزایش عملکرد در محصولات راهبردی کشاورزی با حضور جهادی مهندسان بسیجی و آموزش کشاورزان.

رهبر انقلاب در دیدار دست‌اندرکاران همایش علامه جعفری:

تعصب دینی، احساس مسئولیت و حساسیت در مقابل انحرافات فکری از ویژگی‌های علامه بود

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار دست‌اندرکاران همایش بررسی اندیشه‌های فلسفی علامه محمدتقی جعفری که در تاریخ ۲۲ آبان ۹۶ برگزار شده بود، صبح دیروز (چهارشنبه) در محل این همایش در مصلای تبریز منتشر شد.

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در این دیدار با اشاره به مراتب بالای علمی و تبلیغی علامه جعفری، گفتند: یکی از بارزترین خصوصیات مرحوم علامه جعفری «جامعیت» بود، یعنی ایشان در یک رشته خاص منحصر نشده بود و در فقه، فلسفه، تبلیغ و هنر برجسته و بسیار پرکار بود و هیچ بخشی از گستره عظیم علمی و فکری، ایشان را از بخش دیگر غافل نکرد.

ایشان، علامه جعفری را هنرمند و هنرشناس دانستند و درخصوص ویژگی دیگر آن مرحوم یعنی «احساس مسئولیت برای گستراندن معارف اسلامی»، گفتند: جایگاه ممتاز علمی و فکری هیچ‌گاه مانع از فعالیت‌های تبلیغی علامه جعفری و ارتباط ایشان با جوانان، دانشجویان، علما، اساتید و عموم مردم نشد.

رهبر انقلاب اسلامی، «تعصب دینی و حساسیت در مقابل انحرافات فکری» را ویژگی دیگر علامه جعفری خواندند و افزودند: علامه جعفری به‌شدّت نسبت به مسائل دینی متعصب و پایبند بود و در مقابل انحرافات فکری، صریحاً برخورد، و در مقابل دشمنی‌ها ایستادگی می‌کرد.

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای با ابراز خرسندی از برگزاری همایش نکوداشت علامه جعفری و اقدام برای شناساندن ابعاد فکری ایشان، گفتند: امیدواریم این بزرگداشت موجب شود شخصیت مرحوم علامه جعفری و افکار ایشان از غربت خارج شود.

هدیه به خوانندگان

حضرت امام خمینی (ره): اگر ایمان وارد قلب شود کارها اصلاح می‌شود. ایمان به خدا باعث می‌شود تمام تاریکی‌ها از پیش‌پای مؤمن برداشته بشود.

اخبار ادبی و هنری

حمایت وزارت علوم از تعرض مدرس دانشگاه به دانشجو؟

سرویس ادب و هنر-
یکی از مدرسین دانشگاه صنعتی شریف که در سال ۱۳۹۴ به یک دختر دانشجو تعرض کرده بود، علی‌رغم مخالفت رئیس دانشگاه و اعتراض دانشجویان پس از یک سال به سرکار خود بازگشت!

اگرچه برخی ترکش‌های هالیوود همواره به بعضی از بخش‌های جامعه ما گرفته و می‌گیرد، از جمله در مورد رسوایی‌های اخیر اما متاسفانه بعضا تبعات تنبیهی و مجازات لااقل صوری این رسوایی‌ها در مورد خاطیان نادیده گرفته می‌شود. مثلا هاروی واینستاین (تهیه کننده‌ای که سردمدار رسوایی‌های جنسی هالیوود بود) علاوه بر موقعیت‌های شغلی حتی از برخی امتیازات خود نیز محروم شد و کوین اسپیسی (دیگر هالیوودی متخلف) نیز علاوه بر از دست دادن نقشی که در یک فیلم سینمایی داشت، از نقش مهم دیگرش در سریال معروف «خانه پوشالی» نیز ولو به قیمت کشته شدن کاراکترش اخراج شد! اما در مقابل این برخورد با متعرضان هالیوودی، یکی از مدرسین دانشگاه صنعتی شریف که در سال ۱۳۹۴ به یک دختر دانشجو تعرض کرده بود، علی‌رغم مخالفت رییس دانشگاه و اعتراض دانشجویان پس از یک سال به سرکار خود بازگشت!

بنا به گزارش کانال تلگرامی شورای صنفی یکی از دانشکده‌های این دانشگاه، فردی به نام «ک.م» که در سال ۱۳۹۴ به جرم تعرض به یک دختر دانشجو پس از دوبار طرح مسئله در کمیته انتظامی اساتید و اقرار علنی به جرم خویش، با رای این کمیته از دانشگاه اخراج شد و حتی حکم هیئت علمی و قراردادهای پژوهشی ایشان هم لغو گردید و به دستور ریاست دانشگاه هم ممنوع الورود بود، پس از شکایت به وزارت علوم، حکم اخراج وی از سوی هیئت تجدید نظر این وزارتخانه به یک سال انفصال از خدمت تبدیل شد! که این حکم در اسفند ماه ۱۳۹۵ به اتمام رسید و با وجود درخواست ریاست دانشگاه مبنی بر تمدید آن، با اصرار و پافشاری وزارت علوم، مدرس متعرض در آبان ماه جاری به دانشگاه بازگشته و در همان دانشکده مشغول به کار شد، گویی که اساسا اتفاقی نیفتاده بوده است! گزارش شورای صنفی یاد شده حاکی از آن است که ریاست دانشگاه از بازگشت مدرس فوق، ناراضی بوده و اظهار داشته که با فشار وزارت علوم ناگزیر از پذیرش وی شده است. ایشان تاکید کرده که همچنان پیگیر جلوگیری از ادامه کار او هست اما بعید می‌داند که وزارت علوم با نظر ریاست و معاونینش موافقت نماید!! براساس همین گزارش، قائم مقام دانشجویی دانشگاه نیز حضور مجدد مدرس خاطی را به صلاح ندانسته و آن را برای دانشگاه بسیار بد تلقی کرده است.حال سوال اینجاست که اصرار و پافشاری مسئولان مربوط در وزارت علوم برای نادیده گرفتن تعرض خیانت بار یک مدرس به دانشجوی خویش که گفته می شود روحیه و زندگی وی را کاملا به هم ریخته و حتی وی را تا مرز ترک تحصیل نیز کشانده است، چه توجیهی دارد؟ الزام حضور چنین فردی در میان اساتید متعهد و متخصص دانشگاه صنعتی شریف با چه نیت و هدفی صورت گرفته است؟ آیا عمل وی از جسارت نورالدین زرین کلک در دانشکده هنر دانشگاه تهران به حجاب یکی از دانشجویان محجبه، قبیح تر نبوده که باعث اعتراض گسترده دانشجویان گردید و نهایتا به اخراج و فرار وی از کشور منجر شد؟! پس از آن ماجرا بود که مسئله تصفیه دانشگاهها از افراد هنجارشکن مطرح شد و دانشجویان در بیانیه‌ای با اشاره به سخنان حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) درباره ربودن خلخال از پای زن یهودی، بر مقابله جدی و خشکاندن ریشه‌های اباحه‌گری در دانشگاهها تأکید کردند. تا چه زمانی در دانشگاهها که بایستی مکان امن علم و دانش و فرهنگ و تربیت باشد، افرادی همچون زرین کلک و «ک.م» جولان داده و بی‌بند و باری و فساد را ترویج می‌کنند؟ به راستی وزارت علوم در این میان چه وظیفه‌ای داشته و از چه کسانی دفاع می کند؟ آیا نبایستی دانشجویانی که خصوصا در دانشگاهی همچون صنعتی شریف از سطح استعداد و توانایی علمی بالایی برخوردارند، از محیطی امن و سالم برخوردار شوند؟ وزارت علوم در این میان چه مسئولیتی دارد؟! ذکر این نکته لازم است که وزارت علوم هنوز در مورد مسائلی همچون قضیه بورسیه‌ها که به ناحق مورد تهمت‌های فراوانی قرار گرفتند هم نتوانسته احقاق حق کند. مسئله‌ای که رهبر معظم انقلاب، آن را به عنوان یکی از غلط‌ترین کارهای این وزارتخانه برشمردند و بر ظلمی که در آن به خیلی‌ها روا داشته شد و حل مشکل آنان تاکید کردند. اما وزارت علوم حتی از توهین‌های ناروای خویش به دانشجویان بورسیه، عذرخواهی نکرد و خسارات مادی و معنوی آنها را نیز جبران ننمود.

عصبانیت صهیونیست‌ها از یک کتاب کودک!

انتشار یک کتاب برای کودکان فلسطینی، عصبانیت صهیونیست‌ها را برانگیخت.

انتشار کتابی با عنوان «P is for Palestine» برای کودکان فلسطینی خشم صهیونیست‌های آمریکا را برانگیخته است. بسیاری از یهودیانی که در نیویورک زندگی می‌کنند، از طریق پست‌های فیس‌بوکی اعتراض خود را به انتشار این کتاب اعلام کرده‌اند. صهیونیست‌ها اعتقاد دارند این کتاب با اهداف سیاسی نوشته شده است و نباید چنین کتابی در کشوری مانند آمریکا منتشر شود. نویسنده در صفحه دیگری از این کتاب حرف انگلیسی «I» را برای معرفی انتفاضه «Intifada» استفاده کرده که این کار در کنار اشاره به حق فلسطینیان برای ایستادگی مقابل ظلم و بازپس‌گیری خانه‌های‌شان خشم صهیونیست‌ها را برانگیخته است.

گلبرگ‌باشی نویسنده ایرانی-سوئدی، نویسنده این کتاب است که تاکنون اتهامات مبنی بر ضدیهودی بودن این کتاب را رد کرده است. بسیاری از یهودیانی که در مراسم رونمایی کتاب شرکت کرده بودند، گفتند که هیچ محتوای ضد یهودی در کتاب پیدا نکردند. اما یکی از اعتراض‌کنندگان به انتشار کتاب می‌گوید: «نویسنده بارها در وبلاگ خود مطالب مختلفی در حمایت از مردم فلسطین منتشر کرده است.»

قصّه درد فراق تو غمی دیرین است

Email:SEPIDEH@Kayhannews.ir

قلم و کاغذ تقدیر

غنچه‌ها را همه پژمرده که دیدی رفتی
گِرد مفهوم خودت پیله تنیدی رفتی
قلم و کاغذ تقدیر به دستت دادند
به تهِ خطّ خودت هم نرسیدی رفتی
همگان را که سپردی به خدا، یادت هست؟
با هزاران نگرانی به امیدی رفتی
بقچه آن همه تنهایی خود را بستی
«نرو آقای» دلم را نشنیدی رفتی
به کسی حرف دلت را نزدی، دق می‌کردا!
به کسی خطّ و نشان هم نکشیدی رفتی
شاپرک‌ها به سیاهی به عدم تن دادند
پای آنها نه نشستی نه چکیدی رفتی
بس که ما مردم این شهر به خود دل بستیم
تو دل از مردم و این شهر بریدی رفتی
آمدی جمعه این هفته به هر شکلی بود!
به سر وعده کسی را که ندیدی رفتی
کاظم بهمنی

ذکر شریف

دانی که چه در مکه و حج باید گفت؟
یا در بر ثامن‌الحجج باید گفت
هرجا که بود ذکر شریف صلوات
عجل لولیک الفرج باید گفت
سید هاشم وفایی

حضور ناب

صبح سحر که پرنگشوده است، آفتاب
می‌آیی و سمند تو را، عشق در رکاب
روشن به توست چشمم و در پیشواز تو
کوچک‌ترین ستاره چشمانم آفتاب
بشکُف که چتر باز کنی بر سر جهان
ای باغ نرگس! ای همه چون غنچه در نقاب
ای چشمه زلال که با آرزوی تو
از صد سراب رد شده‌ام در هوای آب
ساقی! خمار می‌کشدم گر نیاوری
از آن می هزار و دوصد ساله‌ام شراب
با کاهلی به پرده پندار مانده اند
ناباوران وصل تو، جمعی ز شیخ و شاب
بیدار اگر به مژده وصلت نمی‌شوند
با بیم تیغ تیز برانگیزشان ز خواب
آری وجود حاضر و غایب شنیده‌ام
ای آنکه غیبت تو پُر است از حضور ناب
با شوق وصل دست ز عالم فشانده‌ایم
جز تو به شوق ما، چه کسی می‌دهد جواب؟
حسین منزوی

کوچه ماه

من مثل تو و تو مثل من چشم به راه
ما چشم به راه مردی از کوچه ماه
بگذار دوباره جمعه را صرف کنیم:
ندبه، گریه، عهد، فرج... باز گناه!
محمّدحسین ملکیان

سبوی دل

بیا که جز تو مرا نیست آرزوی کسی
خموشم و ننشینم به گفت‌وگوی کسی
از آن دمی که تو رفتی، به مهر آب قسم
نرفته آب گوارایی از گلوی کسی
سبوی دل بشکست و بریخت باده صبر
خدا کند که دگر نشکند سبوی کسی
بنای عدل نه، ای آبروی عالمیان
قیام کن که نریزد کس آبروی کسی
ولایت تو نخواهد گذاشت یا مولا
کنیم دست ارادت دراز سوی کسی
ز لشگر تو سرود سرور می‌شنوم
به کشور تو نباشد کسی عدوی کسی
((کلامیم)) به سلامم اگر جواب دهی
به حق هو، نهراسم ز های و هوی کسی
ولی الله کلامی زنجانی

غم دیرین

آن‌چنان داغ تو بر روی دلم سنگین است
که بهار فرجت حسرت فروردین است
محض امسال نه، این غصه چندین قرن است
قصّه درد فراق تو غمی دیرین است
لحظه ناب شکوفا شدنم در روضه‌ست
هر کجا حرف بهار است بهارم این است
اشک، چون باده نابی‌ست که سرمستی آن
با وجود همه شوری آن شیرین است
برخلاف همه امسال لباسم، قلبم
با سیاهی غم فاطمیه رنگین است
وه! چه سالی شود امسال که از آغازش
نایم از نغمه یا فاطمه آهنگین است

***

باغبان! دور کن از حائل در یاسَت را
غنچه‌ات در خطر حمله یک گلچین است
محمّد بیابانی

غباری در دست باد

ما روی تو دیدیم، ندیدیم که دیدیم
برگِرد تو گشتیم و به گَرد نرسیدیم
گفتیم مدام از تو و انگار نگفتیم
گویی نشنیدیم که وصف تو شنیدیم
تو بحر کرم، عالم هستی ز تو سیراب
افسوس که ما بهر درم، جامه دریدیم
چون گرد به خاکی که نشستند، نشستیم
چون باد به هر سو که دویدند، دویدیم
از چار طرف بر سر ما، پای نهادند
روزی که ز داماّن شما، دست کشیدیم
یا دام هوس بود به هر جا که نشستیم
یا تیر هوا بود به هر سو که پریدیم
از کاه سبک، کفّهٔ طاعات سبک‌تر
وز کوه گنه، سخت شکستیم و خمیدیم
از تیغ هوس، رگ رگ ما، گشت بریده
با این همه از مهر شما، دل نبریدیم
از آن به خطا انس گرفتیم که یک بار
شیرینی دوری ز گنه را نچشیدیم
«میثم» همه از نور به ظلمت بگریزند
ماییم که بر آل محمّد گرویدیم
غلامرضا سازگار

گزارشی خواندنی از حضور رهبر انقلاب در منطقه زلزله‌زده

باز هم چاره علی بود

دوشنبه ۲۹ آبان ماه ۹۶ مصادف با اول ربیع‌الاول
منطقه زلزله‌زده سرپل ذهاب- ساعت ۷ صبح

سرمای صبح هنوز آن‌قدر نیست که آزاردهنده باشد. برای من که اورکت پوشیده‌ام که این‌طور است. از کنار مسکن مهر می‌گذرم و نگاهم را به ساختمان‌هایش می‌اندازم که با ستون‌های استوار نظاره‌گر مردمانی است که در کوچه‌ها و خیابان‌های اطرافش چادر زده‌اند. بیدار هستند و کم‌کم از چادرهایشان بیرون می‌آیند. حضور افرادی غیر از نیروهایی که در این چند روز در خیابان‌های اطراف خود می‌بینند کمی به تعجبشان وامی‌دارد. چند کوچه آن‌طرف‌تر خرابی‌های اصلی شروع می‌شود. مدرسه‌ای تازه‌ساز که دیوارهایش ریخته و بادگیرهایش آجرها را به تمام معنا ترکانده و بیرون ریخته و دیوارهایی نیز که سالم‌اند، خیلی کج‌اند و در حال افتادن. دورتادور جان‌پناه‌هایش هم به صورت منظم، ریخته. ساختمان‌های تازه‌ساز و یا در حال ساخت اطرافش هم بعضاً از یک یا چند گوشه خراب شده‌اند.

کوچه به کوچه را که بگردی هزار داستان مختلف می‌توان بنویسی که در یک چیز شریکند. عمری جمع کنی و به آنی ز کف بدهی. برخی همه را و برخی قسمتی را. خیلی سعی کنی با واژه‌هایت، بی‌ارزشی دنیا را بفهمانی، نمی‌توانی به اندازه یکی از آن خرابه‌ها موفق باشی. بسته‌های گوشت قیمه قیمه شده، لوبیای آماده، بامیه خورشتی و... را می‌بینم که حتماً چندی قبل از آن توسط کدبانوی کُرد، بسته‌بندی شده و فریز شده تا در وقت خودش برنجی را تزیین و یا میهمانی را به سامان کند و امروز در جوی آب و در کنار خرابه‌ای از میان فریزر به بیرون ریخته شده. دبه‌های ترشی، شیشه‌های مربا و... و ماشین اسباب‌بازی مچاله‌ای که بر آجرهای شکسته نشسته است. در کنارش عکس جوانی است که حکایت از سفر فرنگش دارد و در کنار پل معروف و رود پرآوازه و... و الان در کنار همان ماشین شکسته افتاده است.

اگر هر چند دقیقه یک بار آه نکشی نفست بالا نمی‌آید و اگر حسرت نخوری قدم از قدم برنمی‌داری و اگر عبرت نگیری نمی‌گذری. سقف‌هایی که فرو ریخته و دیوارهایی که بر زمین خوابیده و ستون‌هایی که کمر شکسته‌اند و خانه‌ای که برجا مانده‌اند و درجا می‌زنند. مثل کسانی که به زور می‌خواستند درس برجام را به جای دهقان فداکار و حسین فهمیده بگذارند و نشد ولی شاید بشود کنار روباه و زاغ بنشانیمش. از یکی از کوچه‌ها جوانی می‌آید و درب نیمه جانی که بدون دیوار ایستاده است را باز می‌کند و به خانه مخروبه می‌رود. شاید به دنبال لباس گرم است، اگر پیدا کند. دوباره مشغول عبرتم که همان جوان بیرون می‌آید و عکسی چروک شده را باز می‌کند و می‌تکاند و صاف می‌کند. تصویرِ آقایی است که لبخندش آبادانی است. از جوان می‌پرسم کجا می‌روی؟ می‌گوید رهبر آمده. مگر او برایمان کاری کند، دیگران که... یکی برای سلامتی او و رهبرش صلوات می‌فرستد و زندگان صدا به صلوات بلند می‌کنند.

خودرویی در میان کوچه‌ها می‌چرخد و می‌گوید: رهبر معظم انقلاب تا ساعتی دیگر در مقابل فنی حرفه‌ای سخنرانی می‌کند هرکس مشتاق دیدار اوست بسم‌الله. از میان چادرها مردم یکی یکی راهی می‌شوند تا به میعادگاه برسند. سر و وضعی مرتب می‌کنند و سینه صاف می‌کنند تا بغضشان به ناگاه آقایشان را آزرده نکند.

یکی از اهالی همین محله که می‌خواهد وارد ساختمان سه طبقه تازه‌سازش که کمی تخریب شده بشود با دیدنم به گفت‌وگو می‌پردازد. گویی منتظر کسی است که با او درددل کند. گفتم که ان شاءالله خسارت جانی نداشته‌ای؟ گفت نه. همه سالمیم ولی از زنده ماندن پسرم و فرزندانش که در آن شب زلزله از راهرو فرار کردند متعجبم و اگر کمک خدا نبود جان سالم به در نمی‌بردند. گفت ۳۸۰ میلیون خرج خانه کرده‌ام ولی باز بعضی از دیوارهایش ریخته است. گفتم چه کاره‌ای؟ گفت چوبدارم و از منزل دیگرم که در روستاست می‌آیم. احشامم همه تلف شده‌اند. می‌گویم خدا را شکر که خودت و اهل و عیالت زنده‌اید. از او می‌گذرم و می‌روم. پیرزنی از میان آوار، به سختی جل و پلاس سالم پیدا می‌کند و شوهر پیرش در کنار خرابه، به آهستگی چند فنجان جان به در برده را داخل کیسه‌ای می‌گذارد که ببرد. به کجا؟ نمی‌دانم. خدارا شکر که اینها هم سالم‌اند.

که حجابش افتاده و نگاه رهگذران را به خود می‌خواند و می‌خواند، هان ای دل عبرت‌بین، از دیده عبر کن هان/ ایوان «و منازل» را آیینه عبرت دان. لوستری که نباید به خود گرد و غباری می‌دید، اکنون بازیچه باد شده است و پرده‌ای که ساعتها برای انتخاب رنگش وقت صرف شده و زینت اتاق خواب بود، الان زیور تیرآهن‌های خمیده شده است. تخت‌خوابی که نشانه تجمل بود، هفت روز است فنرهای بیرون زده‌اش دست به دامن رهگذران است. حال عجیبی است که اگر چه دیدن ندارد ولی دیدنی است. چرا که این روز برای همه محتمل است. امروز نوبت سرپل بود، شاید فردا نوبت جای دیگر.

مثل کلاس تاریخ، ساعت به سرعت می‌گذرد و کوچه‌ها و خانه‌ها پر است از درس‌های نخوانده ولی نمی‌دانم چرا برخی در همان درس مسکن مهر مانده‌اند و در جا می‌زنند و سال‌هاست از آن مهر، دل پرکینه دارند. حتماً فرجام تنبل‌ها را ندیده‌اند

زنان می‌آیند و معمولاً کاغذی به دست دارند و خودکاری. چند قدم می‌روند و می‌نشینند و می‌نویسند و دوباره به راه می‌افتند تا حرف دیگری را به ذهن بیاورند. گویی فرصتی برای نشستن و فکر کردن نیست. باید به راه افتاد و اندیشید. جوانان و کودکانی هستند که زلزله زندگی‌شان را زیر و رو کرده است و جز تکه مقوا و خرده زغال و یا خودکار بریده‌نویس، چیز دیگری ندارند تا بنویسند «آقاگیانکم خوش هاتیده»، «رهبرم با آمدنت خانه ویرانم از یادم رفت»، آن یکی تاکسی پرایدش را از زیر آوار درآورده و دو کودکش را از جای شیشه جلو بلند کرده بود تا با مقوا نوشته‌ای، به رهبرشان خوشامد بگویند.

مردم به ذوق آمده در راه، با خود می‌گفتند مگر آقا کاری بکند. پیرزنی می‌گفت ای کاش آقا به خانه‌های ویرانمان سری بزند و از نزدیک ببیند. گفتم می‌آید، شک نکن. آقا با دیگران زمین تا آسمان فرق دارد. شهر پر بود از امواج عشق و عاطفه، که سینه‌ای فراخ یافته بودند تا هفت شبانه‌روز غم و غصه خود را در آغوش‌گریه کنند و حرف بزنند. مردم کرمانشاهند، کم نیستند، امتحان پس داده‌اند، کم نیست. کردهایی که یار روز عسرت نظامند و پهلوانانی که سینه ستبرشان، سپر اسلام و انقلاب. اینها مردم سرپل ذهابند و در سایه احمدبن اسحاق که نایب چهار امام بود، قد کشیده‌اند. «آقا»ها را می‌شناسند و نائب‌الامام را تشخیص می‌دهند. مگر می‌شود آقا در میانشان نیاید. می‌آید که اینها اصل امنیتند و در کنارشان بودن آرامش‌آور است. آنها که ریگی به کفش دارند از این قوم هراسانند.

کوچه رنگ زندگی می‌گیرد و گویی خون در شریان پیکر بی‌جانش می‌جوشد. چند ماشین در میان کوچه‌های غم‌زده می‌پیچند و چند نفر می‌دوند. خبری در راه است. ماشین اول و دوم نه، چهارمی می‌ایستد و مردی از آن پیاده می‌شود که در این مردستان خوب می‌شناسندش. صدا بلند می‌کند«صل علی محمد، نایب مهدی آمد». مردم هجوم می‌آورند و کودکان بر دیوارهای خرابه می‌جهند و زنان بغض می‌کنند. آقا چون سروِ میان باغ، در میان مردم می‌آید و مردمند که سراز پا نمی‌شناسند تا دستی به دستِ گرم رهبرشان برسانند. آقا از مردم می‌پرسند و مردم جواب می‌دهند و یکدیگر را هُل می‌دهند که خود پاسخ بدهند. مردمان پاسخگو. آقا سؤال می‌کند و دستانش در دستان مردم دست به دست می‌شود. مردم می‌خندند و گاهی گریه می‌کنند که این از ویژگی‌های دیدن مردان خوب خداست. آقا که جای خود دارد و بوی خمینی و شهیدان این مردم را می‌دهد. پدر مهربان و پیر و مراد اینهاست. دستان گره شده مردم در دستان آقا را نمی‌بینید و آرامش به هیجان درآمده مردم را نمی‌شنوید؟

شیعه و سنی و اهل حق آقا را چون نگین ثمین، حلقه می‌زنند. چند محافظ آقا کم می‌آورند و حفاظت از آقا به دست مردم می‌افتد. خودشان محافظت می‌کنند و باز به سؤالات پاسخ می‌دهند. آقا چند قدمی را در میان امواج راه می‌روند و مردم در کنار و اطراف بر روی خرابه‌ها پا می‌گذارند تا آبادی ببینند. برخی می‌افتند و بلند می‌شوند که عادت دارند. برخی آن قدر صمیمی‌اند که با آقا کردی حرف می‌زنند و توقع پاسخ دارند. آقا سوار می‌شوند تا به جمع مردم منتظر در محل سخنرانی برسند. ماشین آقا هم بوسیدنی است. آنها که نمی‌دانند، بیایند و از مردم سرپل بپرسند. گویی این را مردم کرمانشاه قبل از برقعی گفتند «باز هم چاره علی بود، نه آن دیگرها...». پسر جوانی پس از آنکه آقا رفت از من پرسید: آقا بالاتر است یا فلانی؟ نمی‌دانستم چه می‌خواهد بگوید. تا خواستم جواب بدهم گفت آقا. گفت آقا یک نفر است ولی هرکس می‌تواند رئیس شود، پس چرا دیگران از ماشین پیاده نشدند و آن وزیر هنوز هم ناپدید است ولی آقا در کوچه پس کوچه‌های سرپل دست در دست مردم، با آنها حرف می‌زند؟

محمدهادی صحرایی